

حکم رشد چیست و در چه مواردی باید گرفته شود؟



اگر سن فردی به ۱۸ سال تمام نرسیده باشد، از نظر قانونی نمی تواند بعضی امور را انجام دهد یا برای انجام آن باید قیمی داشته باشد؛ مثل اداره اموال خود یا ازدواج که راهش گرفتن حکم رشد است. بر اساس ماده ۱۲۱۰ قانون مدنی افراد باید برای گرفتن حکم رشد به طرفیت از دادستانی در مرجع صالح قضایی اقدام کنند تا بتوانند حکم رشد خود را بگیرند. فردی که حکم رشد داشته باشد در حکم بالای ۱۸ سال است و هیچ اداره ای نمی تواند محدودیت های افراد زیر ۱۸ سال را برای او اعمال کند.

لیلا حسین زاده
تپش

نه شب دارند و نه روز، نه ساعت کاری برای شان تعیین شده و نه حتی روز تعطیل. محل کار این جنس آدم ها، نه در برج های لاکچری چند ده طبقه قرار دارد و نه شرکت های بین المللی اسم و رسم داری که سرمایه شان سر به فلک می کشد. دفتر کار آنها درست در دل حادثه است؛ وسط سرما، گرما، سیل، توفان، زلزله، ماسه های داغ و سوزان کویر. اگر در ماموریت باشند، ممکن است هیچ آب و غذایی برای خوردن یا نوشیدن نداشته باشند، حتی شاید نتوانند فقط برای یک ساعت

خواب و استراحت، چشم روی هم بگذارند. «نمی توانم»، «می ترسم» است که اصلا در قاموس آنها معنایی ندارد. خوب می دانند هیچ، که بعد از ماموریت زنده یا حتی سالم به خانه بر گردند. «از جان خوبی برای این آدم ها باشد. این، خلاصه ای بسیار کوتاه از زندگی زنان و مردانی است که پایگاه های مختلف جمعیت هلال احمر فعالیت می کنند. گاهی

استاده میان حادثه

گفت و گو با زوج امداد گر هلال احمر که عکس شان این روزها پربازدید شده است

۱. خانم گزمه، عکس دونفری که از شما و همسران در اینستاگرام منتشر شد، مربوط به کدام عملیات امداد و نجات است؟

سیل اخیر در روستای عباس آباد، به دلیل شرایط خاص آنجا، خانم ها روزهای اول حضور نداشتند، اما روز دوم سیل، با دو خانم تصمیم گرفتیم به آنجا برویم که همسر هم کنار بود. این اولین ماموریت مشترک من و آقای صفری به عنوان زوج بود. حس بسیار زیبایی بود. به همسرم گفتم مایلیم در عملیات سیل عباس آباد حضور داشته باشیم که بعد از انجام هماهنگی های لازم به خانه های مردم سیل زده رفتیم و امداد رسانی کردیم. در این سیلاب از منج یا بالاتر همه جا پراز گل سنگین بود که با استفاده از بیل گل ها را خالی کردیم و حتی لوازمی را که قابلیت استفاده داشت، به بیرون انتقال دادیم.

۲. چند سال است که به عنوان امدادگر فعالیت می کنید؟

از سال ۹۷ فعالیت را به عنوان امدادگر آغاز کردم و عاشق کمک کردن به مردم هستم. شدت این حس در من آن قدر زیاد است که حتی وقتی می خواستم ادامه تحصیل دهم نیز این شرط را با خود گذاشتم در خلال آن به مردم کمک کنم. پدرم نیز خیلی مشوق من بود، البته نگرانی های خودش را در مورد کارم داشت اما همیشه می گفت دنبال علاقه ات برو.

بعد از ورود به مجموعه و قبول شدن در دوره ها، اعلام شد قرار است مسابقاتی با عنوان «رفاقت مهر» برگزار شود و چون عضو فعال گروه بودم، اسمم را رد کرده بودند. شرایط آنجا بسیار دشوار و هوا گرم بود. چادرزدن برای خانم ها بسیار سخت است، اما این کار را هر روز انجام می دادیم. آقایان هم تیم جدا داشتند و به صورت جداگانه تمرین می کردند. ما رتبه ۲ استانی را به دست آوردیم و همین انگیزه و مشوق شد به فعالیت در هلال احمر همچنان ادامه دهم و به عنوان امدادگر نمونه هم شناخته شدم.

۳. در چه رشته ای تحصیل کرده اید؟

لیسانس منابع طبیعی و ارشد مشاور خانواده دارم.

۴. با همسران چطور آشنا شدید؟

همسر من نیز مثل من در عملیات های مختلف امداد و نجات مانند سیل سال ۱۳۹۸ حضور داشت و گاهی همدیگر را می دیدیم اما هیچ ارتباطی با هم نداشتیم و هرکدام جداگانه فعالیت های امدادی را انجام می دادیم. این که چرا همسر ما به عنوان شریک زندگی انتخاب کردم، اخلاق های خاص و دوست داشتنی در او بود و باعث می شد کنارش احساس آرامش کنم. می دیدم چطور با جان و دل به مردم کمک می کند، احساس مسئولیت او را دوست داشتم. در شرایط سخت زندگی کرده بود و هرگز ندیدم به دلیل نخواستن و غذا نخوردن، تحمل سرما و مسائلی از این قبیل در ماموریت ها، ابزار ناراضی کنی کند. بارها دیده بودم لباس گرمش را از تن خارج می کرد و به کسی که لباس نداشت، می داد. حس نودوستی در او قوی بود و در کل رفتارش را زیر نظر داشتم. به نظرم همسر کسی بود که می شد در زندگی به او تکیه کنم. اواخر سال گذشته بود که خانواده ایشان تماس گرفتند دوم اردیبهشت امسال هم عقد کردیم.

۵. ازدواج شما بقیه همکاران تان را برای ازدواج ترغیب نکرد؟

چرا اتفاقا. بعد از ازدواج و چند روز بعد شنیدیم یکی از آقایان اداره از مسئول مان پرسیده بود دختر خوبی برای ازدواج سراغ دارد به او معرفی کند. منظورشان ازدواج هلال احمری بود. برخی دختران مجرد هم علاقه دارند با فردی که در یک مجموعه فعالیت می کنند، ازدواج کنند.

۶. در مورد حضور در عملیات ها و رسیدگی به خانه بعد از ازدواج با هم صحبت کرده اید؟

بله صحبت کردیم. همسر من می گوید می خواهم یک خانواده هلال احمری

داشته باشیم و حتی شوند و فعالیت کنند.

۷. سخت ترین عمل سرگذشتید چه بود؟



بود، حضور داشتم. ماموریت کردند. ما افراد با قایق موتوری با پروانه برخورد می ۹۸ هم چیزی ننماند زمان ترانس برقی دا آن محدوده نزدیک موقع مردم از روی فشار برق قوی در آن گرفتیم و برق قطع هستیم. البته نمی داده اند، انتظار شر مافقط سکوت می غرور و همه چیز تعص او در انتهای صحبت دعای خیر کنید تا عا برسیم از صدقه سر

مدیون هلال احمر

محمد هم جواب داد که دختری از همکاران پایگاه را برای ازدواج در نظر دارد. با تمام شدن سربازی در اواخر سال گذشته، مرد جوان موضوع خواستگاری از همسر آینده اش را در خانواده مطرح کرد. شماره تلفن دختر و خانواده اش را به مادرش داد و از او خواست مقدمات مراسم شیرین خواستگاری را بچیند. مادر هم از خدا خواسته دعوت پسر را بلیک گفت و با خانواده عروس آینده اش تماس گرفت. قرارها گذاشته شد و بالاخره هر دو جوان در مراسم خواستگاری حضور پیدا کردند و پس از انجام صحبت های اولیه، جلسه خواستگاری با خوردن شیرینی به نشانه مبارکی و شادباش تمام شد. خیلی زود مراسم عقد این زوج هلال احمری برگزار شد و آنها سال ۱۴۰۲ عقد کردند و پس از آن، در اولین عملیات مشترک هلال احمری خود در سیل روستای عباس آباد، پا به پای به هم به کمک مردم رفتند.

عباس آباد هم ساعت چهار و نیم صبح با من تماس گرفتند و گفتند خودت را برسان. کوله پشتی امداد ما را برداشتم و راهی شدم. همان لحظه هم با مسئولم در قراگاه تماس گرفتم و گفتم جناب سرهنگ من دو سه روز نیستم و او هم اجازه و رخصت را صادر کرد. او با لحن قاطع و محکمی تاکید می کند هرگز حضور و فعالیت در هلال را رکنار نمی گذارد، چون خود را مدیون آن می داند. آشنایی صفری با همسرش زمانی بود که برای انجام مسابقات رفاقت مهر آماده شده بود. بعد از مدتی احساس کرد او همان نیمه گمشده اش است و برای همین روی رفتارهای دختر جوان در محل کارش و نحوه برخورد او با دیگران دقیق تر شد: «همسر من به شدت دختری مایخو به حیا بود و در پایگاه با مردان همکار خود رسمی و خشک و جدی رفتار می کرد. نجابت دخترانه ای که باعث شده بود بیشتر از او خوشم بیاید.»

امدادگر جوان سال ۹۸ تصمیم گرفت به خدمت سربازی برود و همان لحظه پدرش به او گفت محمد، اعزام شدی به خدمت، اما فکر ازدواجت هم باش.

صفری هم اواخر سال ۱۳۹۴ وارد جمعیت هلال احمر گنبد کاووس شد. مردی که می گوید عاشقانه فعالیت در هلال احمر را دوست دارد و تحت هیچ شرایطی از آن دست نمی کشد. او در رشته معماری درس خوانده و مدتی هم در رشته مرتبط کار می کرده است اما بعد از مدتی دفتر و دستک فنی مهندسی اش را جمع کرد. صفری هم مثل همسرش به فعالیت در هلال احمر علاقه داشت و در این بین، وقتی با تشویق های خانواده مواجه شد، پس از یادگیری دوره های مورد نیاز، کارش را در هلال احمر آغاز کرد. او معتقد است هلال احمر بد جور آدم هایش را نامک گیر می کند و هرکسی که روزی در آن کار می کرده است، به آسانی نمی تواند از پایگاه دل بکند. آن قدر که به گفته او، در هلال احمر کسانی هستند که با وجود داشتن نوه، اما می آیند و شیفت می دهند. صفری می گوید: علاوه بر هلال احمر گنبد کاووس، یک سال و نیم است که به عنوان کارمند قراردادی در قراگاه سازندگی خاتم الانبیا کار می کند اما حتی کار در این قراگاه هم باعث نشده دل از هلال احمر بکند. قبل از ورود رسمی به قراگاه، او برای مسئولان آنجا خط و نشان جدی کشیده بود که بدانید من چند سال در هلال احمر دوره دیده ام و برایم هزینه شده است، باید یک جایی این هزینه ها را پس دهم. اگر روزی جایی حادثه طبیعی رخ دهد، مطمئن باشید آن روز به قراگاه نخواهم آمد: «در همین سیل اخیر